

بلاغت کاربردی
کارشناسی ارشد
جلسه دوم
مدرس: دکتر دارابی

بديع لفظی جناس تام

جناس تام

دو واژه از نظر تلفظ (تعداد صامت و مصوت) و املا یکی باشند، اما در معنا اختلاف دارند و به دو دسته تقسیم می‌شود:

جناس تام مُتماثل

جناس تام مُستوفی

جناس تام متماثل

هر دو کلمه، از نظر دستوری از یک نوع باشند مثلاً هر دو اسم باشند.

مُعْجَز خاقانی است مدح تو تا در جهان صبح بُرَد **آبِ** ماه، میوه پزد ماهِ **آبِ**

آبِ اول: اعتبار و رونق ، آبِ دوم : ماه مرداد در تقویم رومی.

جناس تام مستوفی

اگر دو کلمه، از دو نوع دستوری باشند، مثلاً اسم و فعل یا حرف باشند.

شاخس جلال و رفعت برداده طوطی آسا **طوبی** به غصن **طوبی** گر زین صفت دهد بر

خوشا: صوت یا شبه جمله / درخت بهشتی: اسم

مثال‌های دیگر

جناس تام متماثل

او کز درم درآمد و دندان سپید کرد پوشیده بام را سر دندانش نور بام

دندان سپید کرد: کنایه از خندیدن.
بام اول: سقف و پشت بام، بام دوم: سحرگاه.

جناس تام متماثل

برکش میخ غم ز دل، پیش که صبح برکشد این خشن هزار میخ، از سرِ چرخِ چنبری

بخیه‌های دلق یا لباس درویشان

خشن هزار میخ: استعاره مصرحه از شبِ پرستاره

چرخ چنبری: استعاره از آسمان

جناس تام مستوفی

اگر خواهی گرفت از **ریز** روزی روزه عزلت کلوخ انداز را از دیده رواق **ریز** ریحانی

ریز اول: بهره اندک / دوم: بریز.
کلوخ انداز: کنایه از آخرین باده‌نوشی پیش از ماه رمضان.
راوق: باده پالوده، استعاره از اشک.
ریحانی: خوشبو، راق ریحانی: باده لطیف و خوشبو.

جناس تام مستوفی

دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد	من نیز دل دهم؛ هرچه باد باد
اگر عمارت شدّاد شد بهشت برین	بین که بر چه طریقش بهشت و شد شدّاد
بهر منال عیش ز دوران منال بیش	بهر مدار جسم به زندان مدار جان

در تمام موارد، واژه اول اسم است و دومی فعل.
بهشت دوم: رها کرد.
مدار اول: رونق و سامان.